

## بررسی مقایسه ای مبانی تربیت اخلاقی از منظر شهید مطهری و علامه طباطبایی

فاطمه فتحی<sup>۱\*</sup>، اسما راستگو<sup>۲</sup>

۱- آموزگار ، سیستان و بلوچستان

\* Fathi.Fatemeh77@gmail.com

۲- آموزگار، سیستان و بلوچستان

### چکیده

تربیت اخلاقی یکی از دغدغه های مربیان نظام های تربیتی و اخلاقی جوامع در دوران معاصر است. در کشور ما نیز این موضوع مطرح شده و از الگوهای متعدد و صاحب نظران غربی و اسلامی مختلف استفاده شده است. هدف این مقاله، تبیین تربیت اخلاقی از دیدگاه علامه(ره) و شهید مطهری است. روش پژوهش تحلیلی- استنباطی بوده و به منظور گردآوری داده های لازم جهت نیل به اهداف پژوهش، منابع موجود و مرتبط با استفاده از برگه های فیش برداری از منابع، جمع آوری و با شیوه تحلیل محتوای کیفی مورد تجزیه و تحلیل محتوای کیفی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است. علامه(ره) به عنوان نماینده رئالیسم اسلامی، تاکید بر چهار عنصر: هدف، محتوا، روش و ارزشیابی دارد. هدف غایی تربیت اخلاقی علامه(ره) دستیابی به سعادت دنیوی و اخروی عامل اخلاقی است. از نظر علامه، در تربیت اخلاقی، محتوا موضوعیت دارد و برنامه ریزان باید در سازماندهی و انتخاب آن تاملات جدی داشته باشند. دیدگاه شهید مطهری نیز بیانگر آن است که تربیت اخلاقی مبتنی بر ایمان و تفکرات دینی بوده و به مفهوم زمینه سازی پرورش روح انسان، خصلت ها، سجایا و ملکات و همچنین تقویت اراده می باشد که در پی توسعه درونی متربی است.

**کلید واژه ها: علامه طباطبایی(ره)، شهید مطهری(ره)، مبانی تربیت اخلاقی**

### مقدمه

جوامع انسانی هر یک به گونه ای در تکاپوی آندند که محیط و شرایطی انسانی را فراهم آورند تا در سایه آن، انسان ها به درستی زندگی و حیات داشته باشند، نشو و نما کنند و به شایستگی های انسانی برسند. لکن افزایش نابسامانی های اخلاقی و تاثیرات نامطلوب آن در جوامع معاصر، ذهن مربیان نظام های تربیتی و اخلاقی جوامع را به خود درگیر نموده است( برادران و همکاران، ۱۳۹۸).

عصر کنونی، عصر بحران ها و چالش های بنیان افکن (خشونت، شرارت، گسست های اخلاقی و نامهربانی) است، لذا اگر آدمی بخواهد تعادل روانی و رفتاری داشته باشد و مقهور شرایط نشود و در روابط فردی و اجتماعی موفق باشد، باید به اخلاق و تربیت اخلاقی روی آورد( محمود نژاد مقدم، ۱۳۹۷).

به همین دلیل، اخلاق و تربیت اخلاقی همواره در طول تاریخ مورد توجه اندیشمندان و متفکران جوامع بوده است. از این رو، توجه و تلاش های علمی و عملی بسیاری از سوی صاحب نظران و مربیان برای درک و تبیین ویژگی های اخلاقی صرف شده و می شود(حقیقت و مزیدی، ۱۳۸۷؛ داوودی، ۱۳۸۵؛ وجدانی، ۱۳۹۱). آنچه از تربیت اخلاقی مراد می شود، ایجاد نوعی

# هشتمین همایش ملی تازه‌های روانشناسی مثبت



وزارت آموزش و پرورش  
اداره کل آموزش و پرورش استان هرمزگان  
معاونت آموزش و پرورش شهرستان میناب دانشگاه هرمزگان

اسفندماه ۱۴۰۰ - بندرعباس

دگرگونی است که دامنه آن، عرصه های فکری، احساسی و رفتاری متربی را در برمی گیرد. بعد فکری تربیت اخلاقی، ناظر بر ایجاد توانایی کافی در متربی، جهت تمیز امور خوب از بد است. به عبارت دیگر، توسعه عقل عملی از لوازم قطعی این گونه تربیت است. از جهت احساسی، لازمه تربیت اخلاقی آن است که پاره ای احساس های معین در متربی پرورنده می شود. متربی، فی المثل نسبت به ظالم، احساس خصومت، بر مظلوم، احساس ترحم و با هممنوع و یا هممنوع، احساس همدردی می نماید. جنبه سوم به رفتار دلالت دارد. تربیت اخلاقی، مستلزم آن است که متربی، علاوه بر داشتن داوری صحیح اخلاقی و برخوردار از احساس های معین، به مقتضای آن ها عمل نیز بنماید و رفتار او مظهري از آنها باشد. ذکر این نکته لازم است که نباید بین سه جنبه مزبور، به جستجوی نوعی رابطه توالد برخاست. رفتار مطلوب اخلاقی نه الزاما از داوری صحیح زاده می شود و نه مولود احساس باطنی است. ممکن است فرد مثلا به بدی ظلم حکم کند و در باطن خویش نیز احساس دشمنی با ظالم داشته باشد، اما از عمل بر مقتضای داوری و احساس خویش بازماند (خاری آرانی و همکاران، ۱۳۹۸). در نگاه صاحب نظران تربیتی مشکلات پرورش اخلاق در نظام آموزشی ایران را دست کم در ابعادی مانند آشفستگی در برنامه درسی (حسینی، ۱۳۹۵)، تاکید بر بعد شناختی و آموزش اخلاق برای اخلاق نه برای زندگی (ادیب، ۱۳۸۹؛ حسین زاده، ۱۳۸۶)، عدم توفیق در پرورش دگرخواهی (ظاهر، ۱۳۹۰)، اتخاذ رویکرد فردگرایی (وجدانی، ایمانی، اکبری، صادق زاده قمصری، ۱۳۹۲)، استقبال از جریان نوظهور و بازاری شدن دانش (باقری، ۱۳۹۱) باید جست. یکی از طرق برطرف کردن این مشکلات استفاده از نظرات اندیشمندانی است که در این عرصه به کاوش پرداخته و نسخه هایی شفافبخش و درمان گرانه ارائه کرده اند (خاری آرانی، ۱۳۹۵).

از مطالعه در آثار شهید مطهری (ره) معلوم می شود که دغدغه اصلی وی درباره انسان پرداختن به موضوعاتی همچون فطرت، ملاک انسانیت، آزادی معنوی، انسان کامل و... است. این ها از موضوعات امور کلی هستند که خارج از ظرف زمانی و مکانی خاص و جدا از ابعاد و شرایط محدود بشری، به مطالعه انسان در جهت کشف رمز و رازهای وجودی وی می پردازند. لذا انسان شناسی شهید بزرگوار را می توان از نوع کل نگر و کلان دانست. از دیگر ویژگی های نظریه انسان شناسی شهید مطهری (ره) آن است که در برخورد با مسائل مرتبط با انسان رویکرد ویژه ای دارد، وی محتوای اندیشه خود را مستقیما از معارف دینی اخذ نموده، اما در روش برخورد با آن صرفا به روش نقلی اکتفا نکرده، بلکه به مفهوم سازی فلسفی از آن ها پرداخته و سعی نموده است به تبیینی فلسفی از موضوعات انسان شناسی دست یابد. بنابراین، انسان شناسی ایشان ترکیبی از انسان شناسی دینی و فلسفی است (مدور و همکاران، ۱۳۹۹).

مفسر و فیلسوف جهان اسلام علامه سید محمد حسین طباطبایی را می توان از معدود اندیشمندانی دانست که بعد از ابن مسکویه، غزالی، خواجه نصیرالدین طوسی و ملامهدی نراقی به اخلاق توجه وافری داشته است و توانسته خلا ناشی از نظام اخلاقی پیشینیان خود را که ریشه در فلسفه ارسطوی دارد، پیدا نماید و جایگاه توحید و میزان تاثیر آن را در نظام اخلاقی نشان دهد و بنابر همین اقدامات، به عنوان یکی از افراد انگشت شماری باشد که امروزه اندیشه هایش در راس توجه برنامه ریزان و سیاست گذاران تربیتی قرار دارد (خانی آرانی و همکاران، ۱۳۹۸).

# هشتمین همایش ملی تازه‌های روانشناسی مثبت



وزارت آموزش و پرورش  
اداره کل آموزش و پرورش استان هرمزگان  
مديريت آموزش و پرورش شهرستان میناب دانشگاه هرمزگان

اسفندماه ۱۴۰۰ - بندرعباس

## مبانی فلسفی تربیت اخلاقی از دیدگاه علامه طباطبایی

مبانی فلسفی تربیت اخلاقی از نظر علامه طباطبایی با اتکا به مبانی هستی‌شناسی، انسان‌شناسی و ارزش‌شناسی ایشان قابل استخراج است که در ادامه به تشریح هر یک پرداخته می‌شود:

### مبانی هستی‌شناختی

علامه، پدیدآورنده همه موجودات هستی را خداوند متعال می‌داند. از نظر ایشان هر موجودی که دارای هستی باشد؛ این هستی را خدا به او داده است. بنابراین، همه چیز در ذات و صفات و آثار محتاج به خداست. همه به او نیازمند هستند و او بی‌نیاز از همه است. همه موجودات دارای خدایی یگانه هستند. این مسئله که بین متفکران رایج بوده است. علامه بیان می‌کند حتی آیین بت پرستی که بنایش بر شرک است، در آغاز پیدایش بر اساس توحید صانع و اینکه بت‌ها شفیع در نزد خداوند بنا شده است (طباطبایی، ۱۳۸۶). علامه طباطبایی اعتقاد دارد بحث از خداوند ذاتی بشر بوده و مقتضای فطرت او می‌باشد. فایده چنین بحثی آگاهی یافتن به یکی از کاوش‌های عقلانی و فکری بشر و دستیابی به آرامش روحی، پشتوانه اخلاقی و عدالت اجتماعی در سایه اعتقاد و ایمان به خداست (خاری آرانی و همکاران، ۱۳۹۸). علامه معتقد است که جهان هستی، آفریده خدای متعال است و دارای هدف می‌باشد؛ چنانکه خداوند در مورد هدف دار بودن هستی در آیه ۵۰ سوره طه می‌فرماید: او خدایی است که همه پدیده‌ها را آفریده و آن‌ها را هدایت کرد. دنیا محلی است که انسان در آن سرنوشت حیات اخروی خویش را رقم می‌زند. آنان که در زندگی ابدی خویش به سعادت می‌رسند و یا بدبخت می‌شوند سعادت و شقاوتشان را در دنیا تهیه کرده‌اند. دنیا وسیله‌ای بیش نیست. وسیله بودن این حیات دنیوی برای زندگی آخرت به وسیله اعتقادات و اعمال اخلاقی شایسته است (طباطبایی، ۱۳۸۶). در مورد وسیله بودن دنیا خداوند در آیه ۲۶ سوره رعد می‌فرماید: «وَمَا الْحَيَاةُ دُنْيَا لِدَٰلِ إِلَّا مَتَاعٌ». از نظر علامه انسان مسئول اعمال خویش است، از این جهت که آیا تابع نظام جهان رفتار کرده یا نه، اما خدا مسئول نیست، چون نظام و خارجیت دیگری نیست تا مستلزم تطبیق با آن باشد و از همین روست که خدا حق است (خاری آرانی و همکاران، ۱۳۹۸).

### مبانی انسان‌شناختی

انسان ترکیبی از دو جوهر جسم و روح است که اصالت با روح آدمی است. بدن، جنبه تبعی و ابزار و مرکب روح است. تحولات و دگرگونی‌هایی که در جسم انسان به وجود می‌آید، در روح او خللی وارد نمی‌کند؛ چنانکه در آیه ۱۱ سوره سجده خداوند می‌فرماید: «بگو: فرشته مرگ که بر شما گمارده شده، جانتان را می‌گیرد، سپس به سوی پروردگارتان برگردانده می‌شود». علامه در تفسیر این آیه می‌فرماید: «نکته مهمی که در این آیه وجود دارد، این است که دلالت بر تجرد نفس می‌کند و می‌فهماند که نفس غیر از بدن است. آن چیزی که دائماً از زمان خلقت انسان تغییر می‌کند، بدن است و نه خود انسان، زیرا تمام حقیقت انسان روح اوست» (طباطبایی، ۱۳۸۶). در رساله اعتبارات و دیگر آثار علامه، انسان به عنوان موجودی چندساحتی طرح می‌شود. در تفسیرهای مختلف از نظریه علامه نیز ابعاد مختلفی برای انسان فرض می‌شود؛ مثلاً برخی معتقدند انسان نزد علامه پنج ساحتی است. ابعاد انسان در اینجا شامل ساحت ادراکی، ساحت غریزی، ساحت اراده، ساحت عمل و ساحت الوهی (فطری) است. نیز گفته‌اند انسان هفت ساحتی است که شامل ساحت جسمانی، عقلانی، عاطفی، اخلاقی، اجتماعی،

# هشتمین همایش ملی تازه‌های روانشناسی مثبت



وزارت آموزش و پرورش  
اداره کل آموزش و پرورش استان هرمزگان  
معاونت آموزش و پرورش شهرستان میناب دانشگاه هرمزگان

اسفندماه ۱۴۰۰ - بندرعباس

هنری و دینی می شود (موسوی مقدم، ۱۳۹۰). نیز می توان سه ساحت بنیادین برای انسان در نظر آورد. این سه ساحت شامل بعد آگاهی و ادراک؛ استخدام و تسخیر و اعتبارسازی است (پورحسن، ۱۳۹۲). انسان صاحب ابزاری است که او را قادر می کند بر جهان آگاهی یابد. این ابزار شامل قوای ادراکی، چشم، گوش و ... قوای باطنی و نیروی فکر است که به وسیله آن از حوادث گذشته و آینده اطلاع می یابد. بنابراین، انسان مورد نظر علامه صاحب علوم عملی است که شامل مجموعه ای از بایدها و نبایدهاست که آدمی به اقتضای قوا، امکانات و نیازهای خود به وجود می آورد و آن ها را واسطه استکمال خود قرار می دهد. این علوم محصول احساسات درونی آدمی است که تحت تاثیر نیازها و ویژگی های دستگاه های بدن، آدمی آن ها را به وجود می آورد این علوم ابزاری است از جنس فکر تا در میدان کار و کوشش و تصرف و تسخیر طبیعت موفق باشد (خاری آرانی و همکاران، ۱۳۹۸). اما اساسی ترین نظریه انسان شناسی علامه طباطبایی موجودی استخدام گر دانستن انسان است. به نظر می رسد ایشان در مورد طبیعت آدمی به دو سرشت اولیه و ثانویه اعتقاد دارد و این ویژگی یعنی استخدام، از سرشت اولیه آدمی است. به سخن دیگر، آدمی به سرشت اولیه موجودی منفعت جو است و تمامی عمل ها و حرکت هایش در جهت منافع و مصالحش است، در مواجهه با حجم وسیع نیازها به این اندیشه می رسد که بدون کمک گرفتن از دیگران، امکان ارضا و اشباع را نخواهد داشت (صالحی و یاراحمدی، ۱۳۸۷). آدمی به سبب روح استخدام گری که دارد، به اجتماع روی می آورد. مرحوم علامه تصریح نموده اند که معنای این که انسان مدنی بالطبع است و به لزوم عدل اجتماعی حکم می کند، ضرورت و لزوم اجتماع مدنی و عدالت اجتماعی است که بشر از رو آوردن به آن ناگزیر است (طباطبایی، ۱۳۸۶). حاصل نظریه علامه طباطبایی در خصوص مسئله مدنیت انسان، این است که انسان، مستخدم بالطبع و متمدن بالفطره است. از این ویژگی انسانی که کمالات انسانی به اقتضای ذات نیست و در گرو وجود اراده در انسان است، علامه طباطبایی بر وجود ادراکات اعتباری در انسان رهان اقامه می کند. انسان نیازمند ادراک است که منشا اراده باشد. متعلق این اراده، یعنی ادراک نمی تواند امری حقیقی باشد، زیرا در ادعان و ادراک حقیقی میان ادراک و متعلق ادراک یک نسبت مطابقت وجود دارد که این نسبت صادق یا کاذب باشد، چنین رابطه ای برقرار است. چنین ادراک و ادعانی نمی تواند منشا اراده باشد، زیرا نسبت های حقیقی ثابت هستند و مواجهه انسان در برابر امر ثابت نمی تواند متغیر باشد. اراده در جایی شکل می گیرد که انسان میان یک عمل که انجام دادن آن در واقع کمال یا واسطه در رسیدن به کمال اوست و میان یک ادراک غیر حقیقی، ارتباطی می بیند. نتیجه اینکه انسان (و حیوان) ادراکاتی دارند که این ادراکات غیرحقیقی هستند جریان اراده در انسان و حیوان را ممکن می سازند (طباطبایی، ۱۳۸۷). بنابراین، انسان دارای قدرت اراده است و اصولا اعمال اخلاقی اعمالی هستند که انسان به صورت اختیاری کسب می نماید و می تواند با اراده خود مسیر زندگی خود را رقم بزند و به کمالات اخلاقی دست پیدا کند. یکی از ویژگی های دیگر انسان آن است که آزاد آفریده شده و ریشه طبیعی و تکوینی این حریت اراده اوست. آدمی مخصوصا نسبت به افعال اختیاری خویش، به روشنی در خود می یابد که مالک، آزاد و دارای اختیار است؛ یعنی انجام و ترک فعل هر دو برای او ممکن است (خاری آرانی و همکاران، ۱۳۹۸). انسان اگرچه دارای اختیار و آزادی است، اما امانت دار الهی نیز می باشد و در مقابل اعمالی که انجام می دهد مکلف و مسئول است. خداوند در قرآن آیه ۷۲ سوره احزاب می فرماید: «همانا ما امانت (الهی) را بر آسمان ها و زمین و کوه ها عرضه کردیم، پس، از حمل آن سر باز زدند و از آن ترسیدند، ولی انسان آن را بر دوش گرفت، اما او بس ستمکار و نادان است». بنابراین، انسان موجودی است که عبث و بیهوده خلق نشده، بلکه او مکلف آفریده شده است و در برابر اعمالی که انجام می دهد، مورد مواخذه قرار می گیرد. فطرت، از واژه های کلیدی در اندیشه انسان شناسی علامه طباطبایی است. وی

# هشتمین همایش ملی تازه‌های روانشناسی مثبت



وزارت آموزش و پرورش  
اداره کل آموزش و پرورش استان هرمزگان  
مديريت آموزش و پرورش شهرستان ميناب دانشگاه هرمزگان

اسفندماه ۱۴۰۰ - بندرعباس

درباره فطرت می نویسد: «انسان نیز مانند سایر انواع مخلوقات فطرتی دارد که او را به سوی تکمیل نواقص و رفع حوایجش هدایت نموده، آنچه در نافع برای اوست و آنچه را برایش ضرورت دارد، به او الهام می کند؛ پس انسان فطرتی (خلقتی) خاص دارد که او را به نسبتی خاص، به زندگی هدایت می کند و راه معینی دارد که به هدف و غایتی خاص منتهی می شود... انسان که در این نشئه زندگی می کند، نوع واحدی است که به سبب دارا بودن روح و بدن مشابه سود و زیان مشترکی دارد». بحث انسان شناسی نشان داد که انسان موجوی پیچیده و ذوابعد است و برآیند نهایی تعامل ابعاد و قوای مختلف او، عمل اوست که خط سیرش را به سوی تقرب و روضان به خداوند و یا به سوی اسفل السافلین مشخص خواهد نمود (خانی آرانی و همکاران، ۱۳۹۸).

## مبانی ارزش شناختی

مبانی ارزش شناسی علامه با توجه به نظریه اعتبارات او قابل توضیح و تفسیر است. اعتباریاتی ناشی از لزوم پاسخگویی و توجه حیاتی به نیازهای واقعی و اجتماعی انسان است که متکثر و مختلفند؛ لذا به تبع آن، اعتباریاتی نیز کثرت می پذیرند (طباطبایی، ۱۳۸۷). به نظر علامه طباطبایی، اخلاق از جمله اعتباریاتی به معنای اخص و اعتباریاتی عملی است. اعتباریاتی عملی در امور حقیقی ریشه دارند و به آثار و پیامدهای حقیقی و اگر در حقیقت ریشه نداشته باشند، آنگاه وهم محض و باطل خواهند بود. خلاصه اخلاق، راه تحصیل کمالات انسانی را هموار می کند. سازوکار حصول کمال انسانی به لحاظ نظری با اصل قوه و فعل و اشتداد جوهری توضیح پذیر است و به لحاظ عملی با اعتباریاتی قابلیت شرح و تفسیر دارد. مسئولین اخلاقی نوعی اعتبار اخلاقی است که بر حقایق و واقعیت های خارجی از قبیل نفس و احوال آن مانند ادراکات، اراده و اختیار مبتنی است. بر مبنای اطوار وجودی می توان دسته بندی آثار حقیقی مسئولیت اخلاقی را چنین مطرح کرد: الف) آثاری که در طور حیات دنیوی پدید می آیند؛ ب) آثاری که در طور اخروی پدیدار می آیند. این مجموعه هم بر ضرورت مسئولیت اخلاقی و هم بر غایت آن پرتو می افکند. نکته دیگر در مورد ارزش های زیبایی شناسی است. از دیدگاه علامه طباطبایی ارزش های زیبایی شناسی منشا الهی دارند. ایشان در معنی آیه ۶۲ سوره زمر می فرماید که این آیه خلقت تمام چیزها را به خداوند نسبت می دهد و از سوی دیگر، در آیه ۷ سوره سجده، حسن و نیکویی را برای خلقت هر چیز اثبات می کند. البته منظور حسنی است که لازمه خلقت است و از آن جدایی نمی پذیرد، بلکه دائر بر مدار آن است و هر جا آن باشد، این هم هست و برعکس. حال با توجه به معنای زیبایی که گفته شد، حسن عبارت است از موافقت و سازگاری شی با غرض و هدفی که از آن چیز منظور است می بینیم که اجزای این هستی با اهداف این نظام با یکدیگر موافق و سازگارند و حاشا که خداوند چیزی را خلق کرده باشد و اجزای آن با هم ناسازگار باشد (طباطبایی، ۱۳۸۶).

## مبانی فلسفی تربیت اخلاقی از دیدگاه شهید مطهری (ره)

استاد مطهری (ره) ویژگی های ماهوی انسان را شامل موارد زیر میدانند:

### ۱- ذاتی بودن شرافت و کرامت انسان

به اعتقاد شهید مطهری (ره) در جهان بینی توحیدی، انسان میان موجودات از شرافت و کرامت مخصوص برخوردار است و وظیفه و رسالتی خاص دارد. او مسئول تکمیل و تربیت خود و اصلاح جامعه خویش است و جهان، مدرسه انسان است

(مطهری، ۱۳۹۵، ج ۲: ۸۵). در دیدگاه ایشان مبنا و اساس و محور اخلاق اسلامی و نقطه اتکای پرورش های اخلاقی، بزرگواری و کرامت نفس است (مطهری، ۱۳۷۸ ب، ج ۶: ۴۷۸) به باور وی، انسان از یک کرامت ذاتی و شرافت ذاتی برخوردار است و خدا او را بر بسیاری از مخلوقات خویش برتری داده است. او آنگاه خویشتن واقعی را درک و احساس میکند که این کرامت و شرافت را در خود درک کند و خود را برتر از پستی ها، دنائت ها، اسارت ها و شهوت رانی ها بشمارد (مطهری، ۱۳۹۵، ج ۲، ۲۷۰). مطالب میتواند حامل مبنایی در تربیت اخلاقی به نام "شرافت و کرامت ذاتی انسان به علت انتساب روح آدمی به خدا" باشد. براساس این مبنا انسان به دلیل اینکه دارای روحی مقدس و منسوب به خداوند میباشد، دارای شرافت و کرامت ذاتی است. لذا کرامت و بزرگواری ذاتی انسان است، اگر انسان راه طبیعی خود را پیموده و گوهر اصیل خود را بازیافته باشد، میتواند به صعود، تکامل و عروج برسد.

### ۲- فطرت مندی

ازمنظر استاد مطهری(ره)، مبنای نگرش ایدئولوژی اسلامی نسبت به انسان، بر موضوع فطرت استوار است.

وی برای فطرت ویژگی ایی قائل است که شامل موارد ذیل میشود:

الف: وی فطرت را مانند طبیعت و غریزه، یک امر تکوینی میداند و آن را غیراقتسابی بر می شمارد.

ب: فطرت را امری میداند که از غریزه آگاهانه تر است.

ج: فطریات انسان را فراتر از مسائل مادی و مربوط به مسائل انسانی میداند و در این باره میگوید: «تفاوت دیگری که فطریات با غریزه دارد این است که غریزه در حدود مسائل مادی زندگی حیوان است و فطریات انسان مربوط میشود به مسائلی که ما آنها را مسائل انسانی مینامیم» (مطهری، ۱۳۷۱: ۳۴)

شهید مطهری(ره) انسان را اموری فنا ناپذیر و جاودانه میداند و در این باره میگوید: «فطریات و خواسته های طبیعی گرچه ضعیف و گاه خشکانده میشود، اما هرگز از وجود انسان رخت بر نمی بندد. از این رهگذر درحالی که تمام شرایط اجتماعی ضد یک جریان است، باز می بینید آن چیزی که فطرت فرد و فطرت جامعه است و نباید از بین برود، از جای دیگری طلوع میکند» (مطهری، ۱۳۸۳، ۱۶۲)

براساس این مبانی همه افراد بشر یک سرشت دارند و تمامی آنها در همه زمان ها بر فطرت الهی هستند و سرشت و ساختار همه آنها یکی است و بدین سبب آیین زندگی و سمت و سوی تربیت اخلاقی آنها یکی است.

### ۳- مرکب بودن وجود انسان

«انسان، موجودی است که هم استعداد ملکوتی و علوی دارد و هم استعداد ملکی و سفلی». تفاوت انسان [با دیگر موجودات] به دلیل همان ترکیب ذاتش است که در قرآن آمده است: «إِنَّا خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ مِنْ نُطْفَةٍ أَمْشَاجٍ نَبْتَلِيهِ» (انسان/ ۹): «ما انسان را از نطفه‌های آفریدیم که در آن مخلوط های زیادی وجود دارد.»

# هشتمین همایش ملی تازه‌های روانشناسی مثبت



وزارت آموزش و پرورش  
اداره کل آموزش و پرورش استان هرمزگان  
معاونت آموزش و پرورش شهرستان میناب دانشگاه هرمزگان

اسفندماه ۱۴۰۰ - بندرعباس

قرآن درباره خلقت انسان میفرماید: «فَإِذَا سَوَّيْتُهُ وَ نَفَخْتُ فِيهِ مِنْ رُوحِي فَقَعُوا لَهُ سَاجِدِينَ» (حجر/۹۳): وقتی خلقت این موجود را تکمیل کردم، از روح خود چیزی در آن دمیدم. [بنابراین،] در این موجود خاکی، یک چیز دیگری هم غیر خاک وجود دارد.

در برخی تعبیرها، مرکب بودن انسان به این معنا آمده است که انسان دارای دو نوع خواسته و دو گونه خود است: خواسته های نفسانی مانند شهوت رانی و شکم پرستی و مانند آن و خواسته های برخاسته از گوهر روح مانند عزت خواهی، شرافت خواهی و کرامت نفس خواهی. توجه کردن به خود برتر و مبارزه با خود پست تر، اسباب رشد انسان را فراهم می آورد (مطهری، ۱۳۲: ۱۳۸ - ۱۳۶). برای انسان به دلیل مرکب بودنش از امور مادی و غیرمادی دو نوع ارزش وجود دارد: ارزشه ای مادی و ارزش های معنوی؛ یعنی انسان دارای گرایش های مادی و گرایش های معنوی است (مطهری، ۱۳۸۲: ۱۵۶ - ۱۵۴).

به دلیل همین چند بعدی بودن انسان است که عوامل گوناگون تربیتی به کار گرفته می شود. «انسان یک موجود عجیبی است. اشتباه است اگر ما خیال کنیم فقط یک عامل در دنیا وجود دارد که او را اصلاح میکند. انسان قسمتهای مختلفی دارد که هر قسمتش یک عامل اصلاح دارد.»

\* از ویژگی مرکب بودن انسان مبانی: "تعارض مندی بین گرایش های مادی و معنوی انسان" و "درونی بودن ریشه تنازعات انسانی" استخراج می شود.

## ۴- روشن ضمیری

در این مورد شهید مطهری (ره) اعتقاد دارد که انسان هم خودآگاه است و هم جهان آگاه، و دوست میدارد از خود و از جهان آگاه تر گردد. تکامل و پیشرفت و سعادت او در گرو این دو آگاهی است. گاندى می گوید: «غربی به کارهای بزرگی قادر است که ملل دیگر آن را در قدرت خدا میدانند، لیکن غربی از یک چیز عاجز است و آن تأمل در باطن خویش است. تنها این موضوع برای پوچی درخشندگی کاذب تمدن جدید کافی است.» روح یا جان مساوی با خبر و آگاهی است و آگاهی و خبر مساوی با روح و جان است. بدیهی است که خودآگاهی مورد بحث، خودآگاهی شناسنامه ای نیست که نامم چیست؟ نام پدر و مادرم چیست؟ در کجا زاده ام و در کجا سکونت دارم؟ و یا خودآگاهی بیولوژیکی نیست (مطهری، ۱۳۹۵، ج ۲: ۳۰۷ - ۳۰۴). با توجه به ویژگی روشن ضمیری یا خودآگاهی میتوان مبانی "فطری بودن خودآگاهی" و "زمینه ساز بودن خودآگاهی برای خودشناسی" را برای تربیت اخلاقی متصور شد. براساس مبانی فوق حرکت در راستای خودآگاهی و زمینه سازی برای آن از بنیادهای اساسی در تربیت اخلاقی است.

## ۵- اراده

مطهری در اهمیت اراده میگوید: «انسان آن چیزی نیست که آفریده شده است، بلکه آن چیزی است که خودش بخواهد باشد، آن چیزی است که مجموع عوامل تربیتی و از آن جمله اراده و انتخاب خودش او را بسازد» (مطهری، ۱۳۷۸؛ الف: ۶۶). مطهری در تعریف اراده، به تبیین تمایز میل و اراده در انسان میپردازد و میگوید: «اشتباه است که بعضی ها اراده را از مقوله میل ها دانسته و خیال کرده اند اراده همان میل بسیار شدید است. اراده یک قوه و نیروی دیگری است در انسان، وابسته به عقل انسان است، برخلاف میل که وابسته به طبیعت انسان است» (مطهری، ۱۳۷۸؛ الف: ۳۲۰). وی در بیان تفاوت میل و اراده، میل در

انسان را کششی به سوی یک شیء خارجی میداند و میگوید میل، جاذبه و کششی است میان انسان و یک عامل خارجی که انسان را به سوی آن شیء خارجی می کشاند (مطهری، ۱۳۸۷: ۴۷).

با توجه به ویژگی اراده "خود سازی اخلاقی از طریق اراده" میتواند به عنوان مبنای تربیت اخلاقی طرح شود. براین مبنا انسان مختار آفریده شده و اراده ابزاری برای تحقق اختیار اوست.

### ۶- آزادی معنوی

مطهری جدای از آزادی طبیعی انسان، که آن را لازمه و ابزار رشد و تکامل طبیعی موجودات زنده دانسته است، به یک نوع آزادی معنوی اشاره دارد که صرفاً خاص انسان بوده و آن را اینگونه تعریف میکند: «انسان گذشته از آزادی هایی که گیاهان و حیوانات به آنها نیازمندند، یک سلسله نیازمندی های دیگری هم دارد که ما آن را به آزادی معنوی تعبیر میکنیم. آزادی معنوی نوع خاصی از آزادی است و درواقع آزادی انسان است از قید و اسارت خودش» (مطهری، ۱۳۷۸، الف ۳۲)

با توجه به ویژگی آزادی اجتماعی و معنوی از "الزم بودن آزادی معنوی برای نیل به کمالات اخلاقی در ابعاد فردی و اجتماعی" میتوان به عنوان مبنای تربیت اخلاقی یاد نمود.

براین مبنا، آزادی از اسارت نفس اماره مقدمه دیگر آزادی هاست و زمانی به دست می آید که مرتبی تن به عبودیت غیر(شیطان و نفس اماره) ندهد و هیچگاه برده و اسیر آنها نشود.

### ۷- تغییرپذیری

انسان به گونه ای آفریده شده است که میتواند خلق و خوی خویش را تغییر دهد؛ صفات و ملکاتی را که تا به حال نداشته، به دست آورد و خود را از رذایل پاک و به فضایل آراسته سازد. از نظر شهید مطهری(ره) یکی از مهمترین بحث های انسان شناسی همین اثر پذیری و تغییرپذیری انسان است. آدمی قابلیت هایی دارد که متناسب با شرایط طبیعت اولیه در وجودش به امانت نهاده شده است. از این رو، میتواند آنها را رشد دهد و بپروراند. همچنین قابلیت ایجاد طبیعت ثانوی را نیز در خود دارد که با ساخت و پرداخت ویژگی هایی در خود و ایجاد عادت، میتواند طبیعت ثانوی را در خود پدید آورد.(مطهری، ۱۳۹۵، ج ۲۲: ۵۷۱)

انسان، یگانه موجودی است که قانون خلقت، قلم ترسیم چهره او را به دست خودش داده است که هر طور میخواهد، ترسیم کند. از همین رو، انسان آن چیزی است که بخواهد باشد(مطهری، ۱۳۹۵، ج ۲: ۲۸۴).

\* با توجه به مطالب بالا "اثرپذیری" میتواند به عنوان یکی دیگر از مبنای تربیت اخلاقی قلمداد شود.

### ۸- کمال طلبی

یکی از واقعیت های درونی انسان، کمال جویی اوست. به همین جهت، گرایش به کمال در همه افراد بشر وجود دارد. شهید مطهری(ره) درباره انسان کامل میگوید: «انسان تنها موجودی است که خودش از خودش تفکیک پذیر است؛ این انسان است



که انسان بودن خودش را ندارد و باید تحصیل بکند و انسان بودن هیچ مربوط به جنبه های زیستی و بیولوژیکی نیست. ..انسانیت یک امری است و رای زیست شناسی» (مطهری، ۱۳۹۷: ۱۵۶- ۱۵۵).

مسئله انسان کامل معنایش این است که یک انسان تمام داریم در مقابل انسانی که از نظر افقی ناتمام است... ولی انسان تمام میتواند کامل باشد. کاملتر و کاملتر باشد تا به آن حد نهایی. زمانیکه از آن بالاتر دیگر انسان وجود ندارد، آن را میگوییم انسان کامل. (مطهری، ۱۳۹۷: ۹- ۷)

بررسی نظریه انسان شناسی شهید مطهری(ره) در کمال طلبی نشان میدهد که مواردی مانند "اکتسابی بودن کمال"، "وابسته بودن رشد کمال به رشد متعادل ارزش های انسانی" میتوانند به عنوان دیگر مبانی تربیت اخلاقی در نظر گرفته شوند.

### نتیجه گیری

انسان موجودی است که روشن ضمیر بوده و نیز دارای کرامت که نسبت به موجودات دیگر به او تکریم و تفصیل بخشیده شده است. در مبانی هستی شناختی علامه نقش اساسی با فطرت بوده، وی بر آزادی و اراده تاکید داشته و انسان را فردی آزاد در انتخاب مسیر زندگی و کارهای خویش می داند. اراده در دیدگاه علامه علاوه بر نیاز مبتنی بر عقل نیز می باشد. در دیدگاه علامه انسان متشکل از بدن و جسم، استخدام گر، فطری، مسئول و مکلف است. در مبانی ارزش شناختی علامه با توجه به نظریه اعتباریات راه تحصیل کمالات انسانی را از طریق اخلاق می داند. لذا در دیدگاه او، مسئولیت اخلاقی نوعی اعتبار اخلاقی است که بر حقایق و واقعیت های خارجی از قبیل نفس و احوال آن مانند ادراکات، اراده و اختیار مبتنی است (خاری آرانی و همکاران، ۱۳۹۸). از نظر شهید مطهری(ره)، من واقعی انسان همان نفعه الهی است؛ که اگر چنین منی در انسان وجود نداشت احساسهای اخلاقی با منافع انسانی همخوانی نداشتند. از منظر شهید، برترین نوع آزادی، آزادی معنوی است. چنانچه اگر این نوع آزادی در انسان نباشد، انسان به دیگر انواع آزادی نائل نخواهد شد. در اصل مطهری(ره) تأکید دارد که آزادی معنوی است که دیگر آزادیهای انسانی را معنادارتر میسازد و این نیز جز در پرتو تعالیم دینی و الهی حاصل نمیشود. بین گزاره های موجود در مطالعه حاضر در مواردی همچون ذاتی بودن کرامت انسانی، فطرتمندی، مرکب بودن وجود انسان و کمال طلبی با نتایج پژوهشهای پیشین از جمله نجفی و همکاران (۴۹۳۴) و شهریاری و شرفی (۴۹۳۹) مشابهت هایی وجود دارد.

برداشت آن است که مولفه های اساسی انسان شناسی "توحید، فطرت، آزادی معنوی، اراده انسانی و تغییرپذیری" از دیدگاه شهید مطهری(ره) در آراء استاد بزرگوار ایشان علامه طباطبایی مشهود بوده و ایشان در مواردی همچون آزادی معنوی، بسط های نظری داشته اند. مولفه های مورد تاکید شهید مطهری(ره) ریشه در جهان بینی قرآنی، فلسفی و دینی او دارد و به گونه ای مترکم در آثار کتبی و سخنرانی های ایشان قابل ملاحظه است (مدور و همکاران، ۱۳۹۹).

## منابع

قرآن کریم

ادیب، یوسف، ۱۳۸۹، تاثیر آموزش در انضباط محور بر حیطة های یادگیری دانش آموزان، فصلنامه مطالعات برنامه درسی ایران، ۱۹(۵): ۸۸-۶۵.

باقری، خسرو، ۱۳۹۱، تاملی بر روابط فرهنگ بازار و دانشگاه، دو فصلنامه علوم تربیتی دانشگاه شهید چمران اهواز، ۱۹ (۲): ۲۲-۷.

پورحسن، قاسم، ۱۳۹۲، اعتبارات اجتماعی و نتایج معرفتی آن؛ بازخوانی دیدگاه علامه طباطبایی، فصلنامه حکمت و فلسفه، ۹(۳۶): ۴۷-۷۰.

حسینی، محمد، ۱۳۹۵، بررسی رویکرد تربیت اخلاقی در نظام تربیت رسمی و عمومی دوره ابتدایی، دو فصلنامه تربیت اسلامی، ۱۱ (۲۲): ۲۵-۵۱.

حسین زاده، اکرم، ۱۳۸۶، آسیب شناسی تربیت اخلاقی، فصلنامه کتاب نقد، ۱۰ (۲): ۱۲۸-۱۱۳.

حقیقت، شهربانو و مزیدی، محمد، ۱۳۸۷، بررسی و ارزیابی زمینه فلسفی و روش های آموزشی چهار رویکرد تربیت اخلاقی معاصر، فصلنامه اندیشه دینی، ۸ (۲۶): ۱۳۴-۱۰۵.

داوودی، محمد، ۱۳۸۵، رویکرد و پرسش های بنیادین در تربیت اخلاقی، فصلنامه انجمن معارف اسلامی ایران، ۲(۶): ۱۵۷-۱۵۳.

صالحی، اکبر و یاراحمدی، مصطفی، ۱۳۸۷، تبیین تعلیم و تربیت اسلامی از دیدگاه علامه طباطبایی با تاکید بر هدف ها و روش های تربیتی، دو فصلنامه تربیت اسلامی، ۳(۷): ۵۰-۲۳.

طباطبایی، محمد حسین، ۱۳۸۶، تفسیر المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه محمدباقر موسوی همدانی، قم: دفتر انتشارات اسلامی.

طباطبایی، محمد حسین، ۱۳۸۷، بررسی های اسلامی، قم: بوستان.

طباطبایی، محمد حسین، ۱۳۸۷، انسان از آغاز تا انجام، ترجمه و تعلیق صادق لاریجانی، قم: بوستان کتاب.

ظاهر، رقیه، ۱۳۹۰، آسیب شناسی تربیت اخلاقی ر نظام آموزشی (مطالعه موردی: دیدگاه معلمان شهرستان بابل)، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشکده علوم انسانی و اجتماعی دانشگاه مازندران.

محمود نژاد مقدم، آزاده، ۱۳۹۷، اهمیت دیگری در فلسفه اخلاقی و تربیتی امانوئل لویناس، تهران: سخنوران.

مطهری، مرتضی، ۱۳۷۱، انسان کامل، تهران: صدرا.

مطهری، مرتضی، ۱۳۸۲، تعلیم و تربیت در اسلام، تهران: صدرا.

مطهری، مرتضی، ۱۳۷۸، ب، یادداشت‌های استاد شهید مطهری، تهران: صدرا.

مطهری، مرتضی، ۱۳۸۷، فلسفه اخلاق، تهران: صدرا.

مطهری، مرتضی، ۱۳۷۸، الف، گفتارهای معنوی، تهران: صدرا.

مطهری، مرتضی، ۱۳۹۵، مجموعه آثار، تهران: صدرا.

مطهری، مرتضی، ۱۳۹۷، انسان کامل، تهران: صدرا.

موسوی مقدم، رحمت الله و علی زمانی، امیرعباس، ۱۳۹۰، ساحت‌های وجودی انسان از دیدگاه علامه طباطبایی، فصلنامه اندیشه نوین دینی، ۷ (۲۷): ۷۶-۵۳.

وجدانی، فاطمه، ۱۳۹۱، تحلیل مبانی فلسفی تربیت اخلاقی از منظر علامه طباطبایی (ره) و ارائه الگویی نظری جهت کاهش شکاف میان معرفت و عمل اخلاقی، رساله دکتری دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تربیت مدرس.

وجدانی، فاطمه؛ ایمانی، محسن؛ اکبریان، رضا و صادق زاده قمصری، علیرضا، ۱۳۹۲، ماهیت تربیت اخلاقی از نظر فردی یا جمعی بودن از دیدگاه علامه طباطبایی، فصلنامه پژوهش در مسائل تعلیم و تربیت اسلامی، ۲۱ (۱۸): ۱۱-۲۳.

برادران، ابوالقاسم، ۱۳۹۸، نقد تربیت اخلاقی برنامه درسی موسسه پیشبرد فلسفه برای کودکان IAPC بر اساس دیدگاه عامه طباطبایی و ارائه راهکارهایی برای بومی سازی آن، رساله دکتری پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.

برادران، ابوالقاسم، حسنی، محمد، داودی، محمد، ستاری، علی، ۱۳۹۸، تربیت اخلاقی علامه طباطبایی (ره) با تاکید بر مبانی، هدف، محتوا، روش و ارزشیابی، پژوهش در مسائل تعلیم و تربیت اسلامی، سال بیست و هفتم، شماره ۴۳.

مدور، معصومه، فرمیپنی فراهانی، محسن، بهشتی، سعید، ۱۳۹۹، پژوهش در مسائل تعلیم و تربیت اسلامی، سال بیست و هشتم، شماره ۴۸.

خاری آرانی، مجید، رهنما، اکبر، سبحانی نژاد، مهدی، ۱۳۹۸، بررسی تطبیقی مبانی فلسفی تربیت اخلاقی از دیدگاه علامه طباطبایی و لویناس، پژوهش در مسائل تعلیم و تربیت اسلامی، سال بیست و هشتم، شماره ۴۸.